

## ریاست ایران بر جنبش عدم تعهد: فرصتی برای ارتقای امنیت ملی و افزایش نقش تأثیرگذار جنبش

حسین علایی<sup>۱</sup>

**چکیده:** شانزدهمین اجلاس سران کشورهای عضو جنبش عدم تعهد با حضور نمایندگان کشورهای مختلف از سراسر جهان از ۵ تا ۱۱ شهریور ماه ۱۳۹۱ در تهران برگزار گردید. برگزاری این اجلاس در زمانی که تحریم‌ها و فشارهای کشورهای غربی بر ایران رو به افزایش و اوضاع خاورمیانه در حال دگرگونی است از اهمیت فراوانی در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران و جنبش غیرمتعهدها برخوردار می‌باشد. شعار اجلاس جنبش عدم تعهد در تهران "صلح پایدار در سایه مدیریت مشترک جهانی" بود. این اجلاس سه کارکرد مهم و اساسی داشت. نخست، "ارتقای نقش ایران در حل و فصل مناقشه‌های بین‌المللی"، از جمله "اصلاح اساسنامه سازمان ملل متحد" و "موضوعات جهانی" همچون تروریسم، تغییرات آب و هوایی و مواد مخدر. این مسائل از جمله مشکلات مهمی بودند که در اجلاس به آن‌ها توجه شد و امروزه از موضوعات کلیدی در سطح بین‌المللی محسوب می‌شوند. دوم، ارتقای نقش منطقه‌ای ایران و سوم، کمک به اهداف سیاست خارجی ایران در مسائلی مانند موضوع هسته‌ای، سیاست‌گذاری در برابر تحریم کشورهای غربی و سایر مسائل مرتبط با سیاست خارجی کشور. طبیعی است اگر جمهوری اسلامی بتواند از این فرصت به شکل مناسبی استفاده کند به موفقیت‌های ارزشمندی دست خواهد یافت. در این مقاله به فرصت‌های ایران در دوران ریاست این جنبش پرداخته خواهد شد. شروع ریاست ایران بر این جنبش که از اجلاس تهران آغاز شده است، علاوه بر آن که یک فرصت مناسب را برای تعقیب اهداف ملی در اختیار جمهوری اسلامی ایران می‌گذارد، می‌تواند سرآغاز دور تازه‌ای از نقش‌آفرینی جنبش غیرمتعهدها در عرصه بین‌المللی و توسعه امنیت کشورهای عضو باشد.

**واژگان کلیدی:** جنبش عدم تعهد، ایران، فرصت‌های پیش رو، اجلاس تهران، اهمیت منطقه‌ای و بین‌المللی.

## مقدمه

جنبش عدم‌تعهد یکی از مهم‌ترین تشکلهایی است که در دوران پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفته است. "استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی"، "عدم‌تعهد به قطب‌های قدرت" و "ارتقای همبستگی و همکاری" میان کشورهای عضو از آرمان‌های مهم جنبش عدم‌تعهد بوده است. یکی از بنیان‌های جنبش غیرمتعهدها عدم‌وابستگی کشورهای عضو به قدرت‌های بزرگ بوده است. این جنبش از بدو تشکیل موضوع عدم‌وابستگی را در شکل‌های مختلف دنبال کرده است. جنبش عدم‌تعهد بر مبنای پنج اصل "احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشورها"، "عدم‌تجاوز"، "عدم‌داخلت دولت‌ها در امور داخلی یکدیگر"، "برابری و مزایای متقابل کشورها" و "همزیستی مسالمت‌آمیز" فعالیت خود را آغاز کرد (Willetts, 1983: 38). البته با افزایش تعداد اعضا به تدریج بر دامنه این اصول و شعارهای جنبش افزوده شد و به سایر مسائل بین‌المللی از قبیل تحکیم و تقویت صلح جهانی و محکومیت سیاست تبعیض نژادی گسترش یافت. نهضت عدم‌تعهد در سال ۱۳۴۰ خورشیدی در اوج جنگ سرد و فضای دو قطبی بین غرب و شرق با هدف وحدت میان کشورهایی که نه در اردوگاه کمونیسم و نه در اردوگاه سرمایه‌داری (امپریالیسم) قرار داشتند، پایه‌گذاری گردید. جواهر لعل نهرو نخست وزیر هندوستان، احمد سوکارنو رئیس‌جمهور اندونزی، جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور مصر و مارشال تیتو رئیس‌جمهور یوگسلاوی در کنار قوام نکرومه رئیس‌جمهور غنا از جمله رهبران سیاسی برجسته کشورهای جهان سوم بودند که پس از کنفرانس اولیه باندونگ در ۱۹۵۵ توانستند نخستین کنفرانس کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد را در سال ۱۹۶۱ در بلگراد پایتخت یوگسلاوی برگزار کنند (تاجیک، ۱۳۹۱). از آن زمان تاکنون این جنبش ۱۶ کنفرانس را در قالب اجلاس سران و به‌طور میانگین هر سه سال یک بار برگزار کرده است. جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ شعار نه شرقی و نه غربی (دهقانی، ۱۳۸۸: ۶۵) بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت جنبش عدم‌تعهد در آمد تا از این طریق فاصله خود را با دو قدرت حاکم جهانی در دوران نظام دو قطبی حفظ کند. ایران از بدو پیروزی انقلاب اسلامی حضور فعالی در این جنبش داشته است و برای اولین بار وزیر خارجه دولت موقت جمهوری اسلامی در ششمین اجلاس کشورهای غیرمتعهد که در هاوانا پایتخت کوبا در شهریور سال ۱۳۵۸ برگزار شد سخنرانی کرد (شیخان، ۱۳۹۱: ۱۵۹).

جنبش عدم‌تعهد دارای ۱۲۰ عضو و هفده کشور ناظر و ده سازمان ناظر فرمانطقه‌ای است که منافع و اولویت‌های کشورهای در حال توسعه را نمایندگی می‌کند. با توجه به تحولات سریع بین‌المللی و از آنجا که کشورهای قدرتمند به دنبال نقشی

تأثیرگذار در این تحولات هستند، جنبش عدم‌تعهد توان و ظرفیت ویژه‌ای برای اثرگذاری در معادلات قدرت جهانی دارد و می‌تواند نقش سازنده‌ای در میدان سیاست جهانی برعهده گیرد. جنبش عدم‌تعهد که عمدتاً از کشورهای در حال توسعه تشکیل شده است از نظر تعداد دولت‌های عضو، بعد از مجمع عمومی سازمان ملل، مقام دوم را دارد و می‌تواند یکی از مراکز رسمی تجلی افکار عمومی دنیا باشد و به مسائل و مشکلات منطقه‌ای و بین‌المللی بپردازد.

بنا بر گفته احمد سوکارنو، یکی از بنیان‌گذاران این جنبش در کنفرانس معروف باندونگ در سال ۱۹۵۵، مبنای تشکیل جنبش عدم‌تعهد، نه وحدت جغرافیایی یا نژادی و دینی، بلکه وحدت نیاز است. این جنبش تشکیل شد تا از منافع سیاسی اعضای خود در عرصه جهانی در دوران جنگ سرد و در بین دو پیمان ورشو و ناتو دفاع کند. البته این به معنای رویارویی اعضای جنبش با این دو اردوگاه نبود. کشورهای جنبش با کشورهای هر دو اردوگاه مبادلات و روابط سیاسی و اقتصادی داشتند، ولی از نظر نظامی و سیاسی از پیمان‌های یاد شده پیروی نمی‌کردند. پس از فروپاشی شوروی و از بین رفتن نظام دو قطبی در جهان، برخی انتظار داشتند عمر این جنبش نیز مانند پیمان ورشو پایان یابد، اما تلاش برای حفاظت از منافع کشورهای عضو، موجب حفظ موجودیت و ادامه فعالیت‌های این جنبش شد.

در حال حاضر جهان با چالش‌هایی در زمینه‌های امنیتی، اجتماعی، زیست‌محیطی، بهداشتی، پناهندگان، مواد مخدر، جرایم سازمان‌یافته فراملی، تجارت غیرقانونی اسلحه، حملات سایبری و تروریسم مواجه است. صلح و امنیت بین‌المللی از جمله مسائل حادّ جهان امروز است و خلع کشورها از سلاح‌های کشتار جمعی و فاجعه‌بار، یک ضرورت فوری و یک مطالبه همگانی است. برنامه ریزی برای حل چنین معضلاتی نیاز به همراهی و همکاری کشورهای مختلف دارد. همکاری برای رسیدن به راهکارهای کارآمد نیازمند همسو شدن دیدگاه‌های دولت‌های مختلف نسبت به معضلات جهانی است که اجلاس‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مثل جنبش غیرمتعهدها می‌تواند زمینه این کار را فراهم آورد. گسترده‌گی کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد که قریب دو سوم اعضای سازمان ملل و بیش از نیمی از جمعیت جهان را در بر می‌گیرد، می‌تواند فرصت مغتنمی برای طرح مشکلات جهانی و نیز برای میزبان آن یعنی جمهوری اسلامی ایران باشد که همواره پس از پیروزی انقلاب اسلامی از اعضای مهم این جنبش محسوب می‌شده است. با توجه به عضویت کشورهایمانند آفریقای جنوبی، ایران، هند، مصر، ونزوئلا، اندونزی و مالزی و حضور ناظر تعدادی دیگر از کشورهای جهان، ظرفیت خوبی در جنبش عدم‌تعهد وجود دارد. در بین اعضای ناظر هم کشورهای مهمی

همچون چین و برزیل وجود دارند که می‌توان از ظرفیت آن‌ها برای موفقیت جنبش بهره برد. طرح مباحثی از جمله خلع سلاح هسته‌ای، مخالفت با نفوذ قدرت‌های سلطه‌گر، مبارزه با تروریسم، مشارکت جهانی و تلاش برای صلح و امنیت پایدار از موضوعاتی است که می‌تواند در میان اعضای این جنبش که گستره جهانی را در بر می‌گیرد، طرح و برجسته گردد. اداره دفتر هماهنگی جنبش در نیویورک تا سه سال آینده در دست جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. فعال کردن دبیرخانه جنبش می‌تواند برای پیاده کردن اهداف و تصمیمات اتخاذ شده در جریان برگزاری این اجلاس نقش مؤثری ایفا کند و ضمن تحکیم جایگاه جنبش در سطح بین‌المللی، گام مهمی برای دیپلماسی ایران نیز بردارد. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این رویداد و ظرفیت‌های ایجاد شده برای جمهوری اسلامی جهت تحکیم امنیت ملی خود می‌پردازیم.

### نقش جنبش عدم تعهد در سیاست بین‌الملل

در حالی که در یک سده پیش سازمان‌های بین‌المللی اساساً از نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری ساختارها و فرایندهای بین‌المللی برخوردار نبودند، امروزه این نهادها به یک بخش جدایی‌ناپذیر از چشم‌انداز روابط بین‌الملل مبدل شده‌اند. از این‌رو، گرچه دولت‌ها بازیگران اصلی صحنه روابط بین‌الملل به شمار می‌آیند، اما نمی‌توانند در ساماندهی و پیشبرد رفتارها و روابط خود با دیگر بازیگران و کنشگران منطقه‌ای و بین‌المللی نقش سازمان‌ها و اجلاس‌های بین‌المللی را نادیده بگیرند. البته برخی قدرت‌های بزرگ جهانی و بازیگران مؤثر در سیاست بین‌الملل سعی می‌کنند چنین وانمود نمایند که جنبش عدم تعهد از جمله نهادهای بین‌المللی است که نقش چندانی در سیاست جهانی و سیاست‌گذاری امنیت ملی و فرایند امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی ندارد. اما تلاش‌های پنهان و آشکار آمریکا و رژیم صهیونیستی جهت منصرف کردن بعضی از شخصیت‌های بین‌المللی و مقامات کشورهایمانند مصر و عربستان و دبیرکل سازمان ملل از شرکت در اجلاس تهران بیانگر اهمیت نمادین جنبش غیرمتعهدها است. در روزهای قبل از برگزاری اجلاس غیرمتعهدها، رژیم صهیونیستی سعی زیادی کرد تا تهدیدات نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران را در فضای افکار عمومی و بین‌المللی افزایش دهد تا مانع حضور گسترده کشورها در اجلاس تهران شود. از سوی دیگر تحلیل‌گرانی همانند استفان والت معتقدند به میزانی که یک کشور در فضای نهادهای بین‌المللی مشارکت مؤثری داشته باشد، از انگیزه بیشتری برای همکاری با نهادهای بین‌المللی برخوردار می‌شود. وی بر این باور است که نهادگرایی و مشارکت در سیاست بین‌الملل منجر به

ایجاد احساس متقابل بین بازیگران خواهد شد. بر همین اساس این نوع نظریه‌پردازان از سفر بان کی مون دبیرکل سازمان ملل به تهران استقبال کردند و معتقد بودند که نباید محدودیت‌هایی علیه ایران برای مشارکت در نهادهای جهانی و منطقه‌ای ایجاد شود. البته نفس برگزاری هر نوع اجلاس بین‌المللی موجب تقویت روابط دوجانبه و چندجانبه بین کشورها می‌شود که جنبش عدم‌تعهد هم از این قاعده مستثنی نیست. از سوی دیگر هر نوع اجلاس بین‌المللی فرصتی را برای کشورهای شرکت‌کننده به‌ویژه کشور میزبان جهت طرح موضوعات جدید همانند صلح، امنیت و عدالت در سیاست جهانی فراهم می‌آورد. ایران در منطقه جنوب غربی آسیا، خاورمیانه، دریای خزر و خلیج فارس واقع شده است و دارای نقش امنیتی، سیاسی و اقتصادی خاصی در منطقه خاورمیانه است (ملکی، ۱۳۹۱). از زمانی که جمهوری اسلامی ریاست جنبش عدم‌تعهد را برعهده گرفته است، طبیعتاً می‌تواند نقش بزرگ‌تری در تأمین امنیت خلیج فارس ایفا و در مسائل مربوط به عراق، افغانستان، سوریه و کشورهای دیگر به صورت بازیگری مهم‌تر و مؤثرتر مشارکت کند.

### چالش‌های کلی جنبش عدم‌تعهد

جنبش عدم‌تعهد دارای سه چالش هویتی<sup>۱</sup>، ساختاری<sup>۲</sup> و کارکردی<sup>۳</sup> می‌باشد. تشکیلات غیرمتعهدها یک جنبش است و اعضای آن دارای ارزش‌ها و عقاید مشترک نیستند و نباید از آن انتظار یک سازمان منطقه‌ای را داشت (Devaki, 2009) زیرا جنبش‌ها متفاوت از سازمان‌های منطقه‌ای هستند. غیرمتعهدها یک جنبش نامیده می‌شود به این معنی که همچنان به عنوان یک سازمان منطقه‌ای نمی‌تواند در محیط بین‌المللی ایفای نقش نماید، هر چند در اجلاس‌های عمومی می‌تواند با کثرت اعضای خود در صورت یکدلی و هماهنگی، اکثریت آرا را به نفع و اراده خود سازمان دهد. مهم‌ترین ضعف جنبش عدم‌تعهد این است که تصمیمات آن کارایی لازم را ندارد (Bajpai, 1983: 285) و صرفاً بیان نقطه‌نظرات و مواضع رهبران دولت‌ها در مورد مسائل جهانی است بدون این که سازوکاری برای اجرایی‌شدن آن‌ها به‌وجود آید. اگرچه تمامی اجلاس‌های جنبش از جمله نشست‌های دوره‌ای عدم‌تعهد در حاشیه مجامع، نشست‌ها و سازمان‌های بین‌المللی حائز اهمیت است، اما در صحنه عملیاتی، بیانیه‌های صادر شده از سوی جنبش به واسطه چالش هویتی و فقدان سازماندهی عملیاتی برای اجرا و ضمانت

1. Identity
2. Structure
3. Function

اجرایی مناسب، دارای ضعف غیرقابل انکاری است که به جای سوار شدن بر امواج ناشی از بیانیه‌ها موجب پیاده‌شدن یک‌یک اعضا از بیانیه صادره در ایستگاه‌های مختلف کنش‌های سیاسی می‌شود (مطهرنیا، ۱۳۹۱). البته این به معنای بی‌خاصیت بودن این جنبش نیست زیرا در بسیاری از مجامع بین‌المللی مانند مجمع عمومی سازمان ملل، آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، انکتاد، نشست شورای حقوق بشر در ژنو، کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد در مورد موضوعاتی که از پیش با یکدیگر هماهنگی کرده‌اند می‌توانند مواضع مشترک اتخاذ کنند و به این ترتیب اهداف خود را به پیش برند. بی‌شک تشکیل دبیرخانه دائمی فعال و پرنفوذ برای جنبش عدم‌تعهد، می‌تواند به حصول مقاصد جنبش کمکی بزرگ و مؤثر تقدیم کند. این دبیرخانه می‌تواند امکان تماس دائم بین ریاست جنبش و اعضای آن را فراهم سازد.

اکثر اعضای جنبش بیشتر در زمینه سیاسی با هم و در کنار هم هستند ولی در عین حال تنوع و گوناگونی قابل‌توجهی در نظام‌های سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اقتصادی دارند. مهم‌تر این که در قاره‌های آسیا و آفریقا متمرکزند و اغلب آن‌ها نیازمند فناوری و سرمایه‌گذاری خارجی هستند. در زمان جنگ سرد کشورهای عضو پیمان ناتو و پیمان ورشو برای خود سازمان‌های نظامی و اقتصادی داشتند ولی چنین تدابیری در خصوص جنبش غیرمتعهدها صورت نگرفته است که این امر نیز یکی از نقاط ضعف ساختاری جنبش محسوب می‌شود. اکنون در دوره بعد از جنگ سرد که دیگر اردوگاه شرق وجود خارجی ندارد و ایالات متحده به‌عنوان سرکرده نظام لیبرال دموکراسی و سرمایه‌داری غربی در حدود اعمال قدرت هژمون جهانی است، جنبش غیرمتعهدها با ساختار دوره جنگ سرد نمی‌تواند پاسخگوی نیاز اعضا در شرایط کنونی باشد. با این که اعضای شرکت‌کننده در این جنبش را غیرمتعهد می‌نامند ولی بسیاری از آن‌ها به دلیل ضعف بنیان‌های اقتصادی و قرار داشتن در حوزه نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برخی کشورهای قدرتمند در منطقه خودشان، نمی‌توانند همچون گذشته عمل کنند. اکنون جهان به بلوک‌های اقتصادی و سازمان‌های منطقه‌ای تقسیم شده است و شرایط با دوره جنگ سرد تفاوت‌های ماهوی دارد. از این‌رو برخی از کشورهای عضو عدم‌تعهد به اروپا و آمریکا گرایش دارند و شاید بعضی مواقع حتی تحت تاثیر کمک‌های بلاعوض و یا وعده‌هایی که به آن‌ها داده می‌شود هم قرار گیرند و از آن‌ها در سازمان‌های بین‌المللی و در رأی‌گیری‌ها بهره‌برداری شود. برای مثال، برخی از اعضای جنبش کمتر از دو هفته پس از اجلاس تهران، درست مخالف رأی خود در نشست تهران در تصویب قطعنامه شورای حکام آژانس علیه ایران شرکت کردند. از بین ۳۵ عضو شورای حکام که حداقل ۱۵ کشور آن عضو جنبش عدم‌تعهد محسوب می‌شوند، تنها کشور کوبا به

قطعه‌نامه علیه ایران رأی منفی داد و سه کشور مصر، تونس و اکوادور نیز رأی ممتنع دادند و ۱۱ کشور دیگر از جمله کشورهای مهمی چون برزیل، هند و آفریقای جنوبی به آن رأی مثبت داده‌اند. این در حالی بود که اکثر کشورهای جنبش از مواضع هسته‌ای ایران در اجلاس تهران حمایت کرده بودند. بنابراین، اتخاذ مواضع دوگانه و متناسب با شرایط از نقاط ضعف جنبش عدم تعهد است.

### جنبش عدم تعهد و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

در وضعیت فعلی، گرچه ایران با بعضی از کشورهای همسایه دارای مشکلات و چالش‌هایی در حوزه سیاسی است اما از سوی هیچ‌یک از آن‌ها تهدید نظامی نمی‌شود. در حال حاضر مهم‌ترین تهدیدهای اقتصادی و نظامی نسبت به ایران از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی مطرح می‌شوند. البته بعضی از کشورهای عربی هم در تشویق آمریکا به درگیری نظامی با ایران و نیز تشدید تحریم‌ها تلاش و همراهی می‌کنند. دولت آمریکا دارنده بیشترین و مرگ‌بارترین سلاح‌های هسته‌ای و دیگر جنگ‌افزارهای کشتار جمعی و تنها مرتکب به کارگیری بمب‌های اتمی است. آمریکا رژیم صهیونیستی را به سلاح‌های هسته‌ای مجهز کرده و به آن برتری نظامی بخشیده و برای منطقه حساس خاورمیانه تهدیدی بزرگ فراهم کرده است. گرچه شعار جمهوری اسلامی ایران، "انرژی هسته‌ای برای همه و سلاح هسته‌ای برای هیچ‌کس" است، اما در حال حاضر کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی با همراهی رسانه‌های عربی در تلاش مستمرند تا فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را تبدیل به یک تهدید بزرگ در افکار عمومی جهان به تصویر بکشند و هر از چند گاهی حرف از احتمال حمله نظامی به ایران می‌زنند. نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی در سخنرانی خود در اجلاس عمومی سازمان ملل در ۱۳۹۱/۷/۶ عمدتاً به برنامه هسته‌ای ایران پرداخت و مدعی شد که ایران با ساخت بمب هسته‌ای فاصله کمی دارد و باید برای جمهوری اسلامی خط قرمزی را مشخص کرد. بر این مبنا آمریکا، اروپا و دولت‌های غربی تحریم‌های شدید اقتصادی را که خود فلج‌کننده می‌خوانند علیه ایران وضع کرده‌اند و عملاً با ایران یک جنگ اقتصادی تمام عیار را شروع کرده‌اند. آن‌ها بنا دارند با گسترده‌تر کردن مستمر این تحریم‌ها و تمرکز فشار بر مردم ایران بر نارضایتی‌های اقشار مختلف بیفزایند و یک اعتراض اجتماعی را به راه بیندازند تا وضعیت امنیتی در کشور را شکننده کنند. البته مقاومت یک ملت متحد و دارای عزم راسخ، قادر است بر همه خصومت‌ها و عنادهای فائق آید و جمهوری اسلامی در نهایت می‌تواند راه افتخارآمیز به سوی هدف‌های بلند خود را بگشاید. بدیهی است،

همراهی جنبش عدم‌تعهد با ایران در این زمینه نقش تأثیرگذار جنبش در تعاملات بین‌المللی و مشارکت مؤثر و قوی آن در مدیریت امور جهانی را افزایش خواهد داد.

### اهمیت اجلاس تهران

برگزاری اجلاس سران جنبش غیرمتعهدها در ایران از جنبه‌های گوناگونی حائز اهمیت است و فرصت‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کند. نفس تشکیل اجلاس در تهران با توجه به فشارهای غرب به منظور منزوی کردن ایران، به‌خودی‌خود با اهمیت بود و جمهوری اسلامی ایران توانست در این اجلاس، بسیار با ابهت و پر قدرت ابراز وجود نماید. اهمیت اجلاس تهران، نه فقط به‌خاطر "جنبش عدم‌تعهد" که علاوه بر آن، به دلیل غلبه جمهوری اسلامی ایران بر موانع برگزاری این نشست بزرگ بین‌المللی بود. برگزاری اجلاس شانزدهم در تهران به معنای آن بود که نمی‌توان حضور ایران را در معادلات قدرت در منطقه و در صحنه بین‌المللی نادیده انگاشت. وزن اجلاس تهران به دلیل حضور رهبری و شرکت مرسی رئیس جمهور منتخب مصر، دبیرکل سازمان ملل، نخست وزیر هند، پسر ملک عبدالله قائم‌مقام وزیر خارجه عربستان به‌عنوان نماینده ویژه عربستان و محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین افزایش یافت. همچنین حضور ۲۴ رئیس جمهور، ۳ پادشاه و ۸ نخست وزیر، ۹ معاون رئیس جمهور، ۲ رئیس مجلس و ۹ نماینده ویژه و در مجموع سران ۴۰ کشور جهان و مقامات بالا و تصمیم‌گیران سایر کشورها (Namna.ir, 12 Sep, 2012) و بیانیه تهران همه حکایت از اهمیت نشست جنبش عدم‌تعهد در تهران داشت. باید به یاد داشت که فشارهای زیادی بر روی دبیرکل سازمان ملل بود که به تهران نیاید؛ صهونیست‌ها، حتی سفر بان کی‌مون به تهران را به عنوان کاری غیراخلاقی تبلیغ می‌کردند که از وی نباید سر بزند! آمریکا هم به هیچ‌وجه نتوانست در منصرف کردن کشورها برای حضور در اجلاس غیرمتعهدها در تهران موفق شود. در واقع اجلاس تهران، نبرد سیاسی ایران و غرب با موضوع "انزوا" بود که باید گفت ایران این بازی را برد. به هر حال این نشست بین‌المللی که با حضور مقامات ۱۲۰ کشور جهان و با مشارکت بیش از ۴۰۰۰ نفر از کارشناسان و مقامات سیاسی و دیپلماتیک برگزار شد ظرفیت‌های بسیاری برای ارتقای جایگاه ایران در محیط بین‌الملل دارد، زیرا افکار عمومی جهان متوجه شد که چگونه کشوری که از سوی برخی دولت‌ها تحریم شده است، میزبان صدها مقام برجسته بین‌المللی است. بنابراین برگزاری اجلاس در تهران بیانگر توانمندی ایران برای تنظیم و مدیریت یکی از



مجامع مهم بین‌المللی است و این خود حاکی از مشارکت مؤثر جمهوری اسلامی ایران در روندهای معطوف به تصمیم‌سازی‌های جهانی است.

### دستاوردهای اجلاس تهران

ساختار نظام بین‌الملل همواره محدودیت‌ها و نیز فرصت‌ها و امکاناتی را در اختیار سیاست‌گذاران قرار می‌دهد (Kaplan, 1977: 67). جنبش عدم‌تعهد هم یکی از مجموعه‌ها و نهادهایی است که می‌تواند برای کشورهای عضو به‌ویژه گردانندگان آن، قدرت تأثیرگذاری بیشتری را در سیاست جهانی فراهم آورد. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران سعی کرد تا در فرایند برگزاری اجلاس عدم‌تعهد در تهران بخشی از آرمان‌های سیاسی خود را در قالب یکی از نهادهای بین‌المللی منعکس سازد. از این جهت برگزاری این اجلاس برای جمهوری اسلامی ایران دارای مطلوبیت راهبردی بود که توانست زمینه‌های لازم برای چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای و بین‌المللی را به وجود آورد (متقی، ۱۳۹۱: ۲۶). انعکاس آرمان‌ها در شرایطی می‌تواند مطلوبیت راهبردی را برای کشورهای مختلف ایجاد نماید که بخشی از اهداف آنان تأمین گردد. در مجموع رویداد برگزاری اجلاس سران غیرمتعهدها در تهران به ارتقای جایگاه سیاسی ایران در محیط بین‌الملل یاری رساند و نشان‌دهنده ثبات سیاسی ایران بود. باید توجه داشت اجلاسی که قرار بود در عراق در سال ۱۹۸۲ برگزار گردد به سبب نبود ثبات سیاسی در آن کشور و ناامن بودن بغداد به دلیل جنگ با ایران برگزار نشد (امیری، ۱۳۹۱: ۸). برگزاری شانزدهمین اجلاس عدم‌تعهد به میزبانی ایران ضمن کسب اعتبار بین‌المللی - که همواره یکی از اهداف اصلی دولت‌ها در سطح جهانی است - گام مهمی از سوی جمهوری اسلامی ایران در دوره‌ای از فشارها و تحریم‌های بین‌المللی تلقی می‌گردد. حضور ۱۲۰ کشور جهان از چهار قاره بزرگ در سطوح عالی و میانه به دنیا پیام‌های مختلفی را ارسال می‌کند، زیرا این کشورها امکانات بسیار خوبی از لحاظ موقعیت جغرافیایی حساس در کانال سوئز، تنگه هرمز، باب‌المندب، پاناما و دماغه امید نیک در اختیار دارند. همچنین این کشورها با برخورداری از ذخایر عظیم انرژی و سهم ۲۰ درصدی از تجارت جهان خود را در موقعیت تأثیرگذاری قرار داده‌اند. در نشست وزرای امور خارجه جنبش عدم‌تعهد ۷۱۰ ماده به تصویب رسید. مهم‌ترین دستاوردهای اجلاس تهران به شرح زیر است:

۱. مقابله با طرح انزوای بین‌المللی ایران و مثبت‌سازی چهره جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی.

۲. توجه هیأت‌های سیاسی به پیشرفت‌های جمهوری اسلامی و زیبایی‌ها، امنیت و پویایی متروپلیتن تهران و خنثی شدن سیاه‌نمایی‌های رسانه‌ها در مورد ایران.
۳. کسب رهبری سه ساله جنبش به عنوان موفقیتی قابل توجه برای ایران و امکان گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در مدت ۳ سال ریاست این جنبش.
۴. طرح موضوع فلسطین از سوی دو کشور مهم منطقه یعنی ایران و مصر.
۵. طرح مسئله "خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای" و نیز "انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای برای همه کشورها و سلاح هسته‌ای برای هیچ کس" از سوی ایران. ایران از ۳۸ سال پیش یعنی از سال ۱۳۵۳ موضوع خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای را پیشنهاد داده و در سال‌های اخیر به‌طور مرتب آن را پی‌گیری کرده است.
۶. حمایت مجدد و مؤکد کشورهای عضو جنبش از حق مشروع و مسلم ایران برای دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای در سطح سران.
۷. مخالفت جنبش با تحریم‌های یک‌جانبه علیه دیگر کشورها
۸. صدور بیانیه نهایی در راستای نگاه ایران به صحنه بین‌المللی و تقویت انتقاد از یک‌جانبه‌گرایی و سیاست‌های آمریکا و متحدان وی در صحنه‌های بین‌المللی.
۹. تقویت روابط دوجانبه ایران با بعضی از کشورها به ویژه مصر جدید.
۱۰. طرح موضوع لزوم اصلاح ساختار سازمان ملل و شورای امنیت به‌عنوان یک خواسته جهانی.
۱۱. امکان فعال کردن نقش و اراده ایران در همگرایی برای صلح و مشارکت در امور جهانی با دیگر کشورهای عضو در سطح بین‌المللی.
۱۲. فراهم شدن فرصت برای ایران در جهت سامان‌دهی به ساختار دبیرخانه جنبش و زمینه‌سازی برای رفع ضعف‌های ساختاری، هویتی و کارکردی جنبش.

### نکات حاشیه‌ای اجلاس تهران

در حال حاضر بزرگ‌ترین چالش موجود برای جنبش غیرمتعهدها، ناهمگونی اعضا و به تبع آن تنوع اهداف و سیاست‌های آن‌ها می‌باشد که در اجلاس تهران هم تا حدی خود را نشان داد. در اینجا به بعضی از حواشی اجلاس که توجه بیشتری را به خود جلب کرد اشاره می‌شود. نگاه و مواضع متفاوت رئیس جمهور مصر به عنوان رئیس قبلی جنبش عدم‌تعهد با دیدگاه ایران به عنوان رئیس جدید جنبش در باره سوریه و نرسیدن به توافق و اتخاذ تصمیمی واحد از سوی سران جنبش در مورد سوریه.

در این اجلاس طرح ایران برای تشکیل کارگروهی با شرکت سه کشور عربی مصر، عربستان و عراق به‌علاوه سه کشور غیرعربی ایران، ترکیه و پاکستان به نفع طرح پیشنهادی مصر از دستور کار خارج گردید. اما طرح مصر در باره تشکیل کمیته چهارجانبه ایران، مصر، ترکیه و عربستان نیز که عملاً به مرحله اجرا در آمد، اولین اجلاس آن در قاهره بدون حضور وزیر خارجه عربستان برگزار شد و هنوز نتوانسته پیشرفتی در حل بحران سوریه ایجاد نماید.

به‌رغم سرمایه‌گذاری وسیع ایران در کشورهای آمریکای لاتین، اکثر آن‌ها به ملاحظات سیاسی ناشی از فضا سازی بین‌المللی علیه ایران در سطح سران به اجلاس تهران نیامدند. به غیر از کشورهایی مانند کوبا و ونزوئلا که به دلیل بیماری شدید رؤسای جمهورشان در سطح معاون رئیس‌جمهوری شرکت کردند، کشورهای بولیوی و نیکاراگوئه نیز در سطح معاونین رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه و بقیه کشورهای آمریکای لاتین هم در سطح وزرا شرکت کرده بودند.

### فرصت‌های ایران در دوره ریاست سه ساله

یکی از منابع اصلی قدرت کشورها در دنیای امروز، عضویت و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های نهادها، مؤسسات و سازمان‌های بین‌المللی در جهت منافع ملی هر کشور است. در جهان کنونی قدرت ناشی از عضویت در سازمان‌های بین‌المللی به اندازه دیگر مؤلفه‌های قدرت مانند جمعیت، سرزمین، نیروی نظامی و اقتصاد پویا دارای اهمیت می‌باشد. برخی از کارگزاران سیاست خارجی و نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل معتقدند که ایران از طریق نهادگرایی بین‌المللی می‌تواند زمینه‌های لازم را برای اهداف سیاست خارجی و امنیت ملی خود فراهم سازد. یکی از مهم‌ترین منابع قدرت جنبش عدم‌تعهد در رأی دادن به نفع اعضا در سازمان‌های بین‌المللی از جمله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مجمع عمومی سازمان ملل است. بنابراین، ریاست ایران بر جنبش عدم‌تعهد در این شرایط حساس می‌تواند یکی از منابع اساسی "قدرت نرم" جمهوری اسلامی باشد که از آن می‌تواند برای رفع تهدیدها و دستیابی به منافع ملی و جمعی جنبش استفاده کند. جنبش عدم‌تعهد دارای ظرفیت‌های امنیتی مهمی است و بنیان‌گذاران آن اذعان داشته‌اند که: "ما نمی‌توانیم صلح جهانی داشته باشیم مگر آن که با یکدیگر همکاری کنیم و در سایه این همکاری بین کشوری امنیت و آزادی را برای جامعه بشری به ارمغان آوریم" (بخشی از سخنان دبیرکل سازمان ملل در اجلاس تهران). یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های این جنبش از ابتدای تأسیس تاکنون موضوع خلع سلاح بین‌المللی

بوده است. تقویت تلاش‌های جنبش در این زمینه می‌تواند به ایجاد دنیایی عاری از سلاح‌های کشتار جمعی و جهانی امن‌تر کمک کند. بر همین اساس جنبش عدم‌تعهد می‌تواند فشارهای بین‌المللی بر رژیم صهیونیستی را جهت پیوستن به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تشدید و از وجود کلاهک‌های هسته‌ای در فلسطین اشغالی ابراز نگرانی نماید. این سیاست هم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و هم امنیت جمعی اثر مثبت دارد.

ریاست دوره‌ای ایران بر جنبش عدم‌تعهد قادر است تلاش‌های آینده قدرت‌های بزرگ و دولت‌های غربی را برای انزوای سیاسی و اقتصادی ایران تا حدود زیادی خنثی سازد. جنبش می‌تواند در تعدیل رفتار آمریکا و کشورهای متخاصم با ایران به‌ویژه در حوزه هسته‌ای در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نقش مثبتی ایفا کند. دیدگاه‌های ایران و بسیاری از کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد در موضوعاتی همچون "خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای"، "عدم مداخله نظامی غرب" در مسائل منطقه‌ای، "تقویت ائتلاف منطقه‌ای برای صلح" و "امنیت همگانی" به هم نزدیک هستند که می‌تواند از طریق دبیرخانه در حال تأسیس دنبال شود. همچنین، می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های مختلف جنبش غیرمتعهدها به دنبال تحقق اهداف کشور در محیط بین‌الملل بود، به‌گونه‌ای که هم در بهترین حالت ظرفیت و توانایی‌های داخلی بالفعل شده و کشور در مسیری قرار گیرد که در دنیا و در محیط بین‌المللی حرف‌های بسیار بیشتری برای مطرح کردن داشته باشد.

ریاست سه ساله جنبش عدم‌تعهد امکانی را جهت به‌کارگیری همه ابزارهای دیپلماتیک جمهوری اسلامی به‌منظور اجرایی شدن مصوبات جنبش عدم‌تعهد در قالب یک دیپلماسی چندجانبه برای ایران فراهم می‌آورد. مهم آن است که ایران بتواند آرمان‌های ملی و انقلابی خود را در قالب مشارکت با سایر کشورها جستجو کند و به مدلی از همکاری با سایر دولت‌ها برسد. ایران می‌تواند از طریق فضاهایی که برای جنبش عدم‌تعهد در مجامع بین‌المللی از قبیل سازمان ملل فراهم است برای دفع تهدیدها و امنیت‌سازی خود اقدام کند. با توجه به این که در سه سال آینده دهها نشست بین‌المللی در سازمان ملل متحد تشکیل می‌شود و این جلسات گستره قابل ملاحظه‌ای از مباحث امنیت بین‌المللی و خلع سلاح جهانی تا موضوعات محیط زیستی و حقوق بشری را در بر می‌گیرد، نمایندگان ایران در همه اجلاس‌های بین‌المللی ملل متحد، نخست باید آمادگی مفهومی پیدا کنند؛ به این معنا که همه مباحث دیپلماسی چندجانبه تخصصی و حوزه‌هایی مثل خلع سلاح، محیط‌زیست، حقوق بشر، تجارت بین‌المللی، بهداشت بین‌المللی، مهاجرت بین‌المللی و نظایر آن از حوزه‌های تخصصی و

چندلایه است و تسلط به اسناد حقوقی مربوطه و سند‌های تدوین شده پیشین بسیار دارای اهمیت است. این به نوبه خود ظرفیتی علمی و پژوهشی را می‌طلبد. اما حوزه دومی که نمایندگان ایران باید در آن آمادگی پیدا کنند، آمادگی مدیریتی است. به این معنا که ایران هماهنگ‌کننده غیرمتعهد‌هاست و اقتضای هماهنگ‌کننده، رساندن جمع به اجماع و موضعی است که مورد پذیرش همگان باشد. این خود به مهارت‌های دیپلماتیک در ائتلاف‌سازی، حل‌وفصل اختلافات اعضا در مواردی که موضع‌گیری‌های حاد وجود دارد و تعهد به موضع جمع در مدیریت جنبش نیاز دارد. این مهارت مدیریت دیپلماتیک، به نوبه خود الزامات خاصی را در بر دارد که بخشی از آن به مناسبات دوجانبه اعضا و مناسبات دوجانبه ایران و حتی ظرفیت فردی دیپلمات‌های حاضر در صحنه بستگی دارد. بی‌گمان، این یک ظرفیت‌سازی دفاعی و امنیتی بسیار مهم برای ایران است. در مجموع باید گفت که سازمان ملل متحد به عنوان عالی‌ترین مظهر دیپلماسی چندجانبه، مهم‌ترین و گسترده‌ترین عرصه جولان فکری، نظری و عملیاتی ایران به عنوان ریاست دوره‌ای غیرمتعهد‌ها خواهد بود. اینجا باید تأکید شود که منظور از سازمان ملل، فقط شورای امنیت نیست و سازمان ملل به هیچ‌وجه در شورای امنیت آن خلاصه نمی‌شود. هر چند غرب علاقه‌مند است این تصویر را به دیگران القا کند که هدایت سازمان ملل را از طریق شورای امنیت در اختیار دارد؛ اما در عرصه‌های گوناگون فعالیت بین‌المللی سازمان ملل متحد، این عمدتاً کشورهای جنوب، در حال توسعه و غیرمتعهد‌ها هستند که با استفاده از آئین‌نامه‌ها و هیأت‌های ویژه دیپلماتیک، دیدگاه‌های خود را در مباحث گوناگون ارائه می‌دهند و سرانجام آن را به بیانیه‌ها و قطعنامه‌های مختلف تبدیل می‌کنند. در واقع، ظرفیت‌های بالقوه جنبش عدم‌تعهد بسیار بالا است که ایران می‌تواند در جهت فعال کردن آن‌ها در دوره ریاست خود بکوشد. از جمله:

۱. بازتعریف و بازیابی هویت و ساختار جنبش عدم‌تعهد و تعریف مأموریت‌های جدید برای جنبش.
۲. ممانعت از یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و متحدانش در مسائل بین‌المللی.
۳. استفاده از ظرفیت جنبش به عنوان یک نهاد بین‌المللی که بیانگر خواست اکثریت جامعه جهانی است در مقابل شورای امنیت سازمان ملل که دارای ساختار و سازوکاری غیرمنطقی، ناعادلانه و کاملاً غیردموکراتیک است.
۴. مهار سیاست‌های زیاده‌خواهانه اعضای دارای حق وتو در شورای امنیت.
۵. امکان بیان دیدگاه‌های ایران در مورد امنیت منطقه‌ای و مسائل امنیتی مربوط به خلیج فارس با استفاده از ظرفیت‌های ایجاد شده به عنوان رئیس جنبش.

۶. پیگیری مصوبات امنیتی اجلاس تهران، از جمله در زمینه مبارزه با تروریسم.
  ۷. مدیریت چالش‌های منطقه‌ای از طریق تقویت سازوکارهای منطقه‌ای.
  ۸. ایفای نقش در امور امنیت بین‌المللی و حل برخی از مسائل با پرچم جنبش عدم‌تعهد.
  ۹. تلاش جهت کاهش تعداد کشتی‌های جنگی بیگانه در خلیج فارس با توجه به مصوبه جنبش در مورد ضرورت مبارزه با آلودگی محیط زیست.
  ۱۰. شکل دادن به یک نوع همکاری اقتصادی سازمان‌یافته بین اعضا. برای مثال، تشکیل صندوق توسعه اقتصادی برای ارائه تسهیلات بانکی به کشورهای نیازمند عضو جنبش از اهم اموری است که ایران در دوره مدیریت خود می‌تواند بدان مبادرت ورزد. کشورهایی مانند ایران، عربستان، کویت، هندوستان، مالزی، و برخی دیگر توانایی آن را دارند که سرمایه اولیه صندوق را تأمین کنند.
- در مجموع اعضای جنبش عدم‌تعهد در دوره سه ساله ریاست ایران می‌توانند با هم‌افزایی امکانات و ظرفیت‌های گسترده خود و با همکاری‌های همه‌جانبه با یکدیگر برای نجات جهان از ناامنی، جنگ و سلطه‌گری، نقشی تاریخی و ماندگار بیافرینند. جنبش غیرمتعهدها از گذرگاه سازمان ملل به عنوان عمده‌ترین تجلی‌گاه دیپلماسی چندجانبه، می‌تواند به تأثیرگذاری بیشتر در عرصه دیپلماتیک دسترسی پیدا کند.

### نتیجه‌گیری

شانزدهمین اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد در تهران، امتیاز ویژه‌ای برای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود و می‌تواند در برآوردن اهداف سیاست خارجی منطبق بر منافع جمعی و منافع ملی ایران و نیز کاستن از تهدیدات مختلف به ایران کمک کند. میزبانی سران غیرمتعهدها و در اختیار گرفتن ریاست سه ساله جنبش عدم‌تعهد، فرصتی مهم و ظرفیت سیاسی جدیدی را برای جمهوری اسلامی ایران جهت ایفای نقش بین‌المللی و توسعه نفوذ منطقه‌ای و ارتقای اعتبار کشور در سطح جهان فراهم آورده است و نقش ایران را در حل‌وفصل مناقشه‌های بین‌المللی ارتقا می‌بخشد. نهادهای بین‌المللی از جمله جنبش عدم‌تعهد بخشی از واقعیت‌ها و ابزارهای سیاست بین‌الملل محسوب می‌شوند. کشورهایی که دارای اهداف طولانی‌مدت هستند همواره به پویای نهادهای بین‌المللی توجه دارند. فرایندهای نهادگرایی می‌تواند افکار عمومی بین‌المللی را در ارتباط با کشورهای مخاطب ارتقا دهد. ریاست ایران بر جنبش غیرمتعهدها می‌تواند فرصت‌ها و فضاهای جدیدی را برای فعالیت‌های ایران در پی داشته باشد که ضمن کسب اعتبار

بین‌المللی بیشتر، بر بازیگری و اراده ایران در تحقق مدیریت مشترک جهانی و صلح پایدار معطوف باشد. جهان در حال گذار به یک نظام بین‌المللی جدید است و جنبش عدم‌تعهد با ریاست جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نقش نوینی را در جهت ایجاد نظامی جدید بر پایه "مشارکت همگانی" و "برابری حقوق ملت‌ها" ایفا نماید. پیگیری ۱۱ بند بیانیه پایانی اجلاس می‌تواند فرصتی را برای دیپلماسی ایران پدید آورد. باید توجه داشت که در قرن ۲۱ کشورها دریافته‌اند که به تنهایی نمی‌توانند در عرصه بین‌المللی به صورت تعیین‌کننده‌ای تأثیرگذار باشند. ایجاد اشتراک منافع در بین اعضا می‌تواند همگرایی بیشتری را در کشورهای عضو عدم‌تعهد به وجود آورد. در عرصه دیپلماسی چندجانبه معمولاً کشورها براساس منافع مشترک با هم همکاری می‌کنند. دولت‌ها مجبورند با عضویت در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و همکاری با سایر کشورها بر میزان تأثیرگذاری خود در عرصه بین‌المللی بیفزایند. اگر ایران موفق گردد با کشورهای تأثیرگذار عدم‌تعهد مانند آفریقای جنوبی، اندونزی، کوبا، هند، ونزوئلا (ریاست آینده) و مصر (رئیس گذشته) همسویی و همراهی داشته باشد و همراهی و هم‌افزایی آنان را جلب نماید، بدون قطع این رویکرد می‌تواند وزن جنبش و ایران را در عرصه بین‌المللی افزایش دهد. چنین تلاش‌هایی در نهایت می‌تواند بر ضریب امنیت ملی و قدرت بازدارندگی دفاعی ایران بیفزاید.

## منابع

۱. امیراحمدیان، بهرام (۱۳۹۱)، جنبش غیرمتعهدها و جایگاه ایران، دیپلماسی ایرانی، شهرپور.
۲. امیری، مهدی (۱۳۹۱)، جنبش عدم‌تعهد: سابقه، تشکیلات و الزامات فراروی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۲۵۳۰.
۳. برزگر، کیهان (۱۳۹۱)، اهمیت منطقه‌ای سفر مرسی به تهران، دیپلماسی ایرانی.
۴. تاجیک، نصرت‌الله (۱۳۹۱)، سیر حرکتی جنبش عدم‌تعهد از باندوگ تا هاوانا، تهران: خبر آنلاین.
۵. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
۶. زیباکلام، صادق (۱۳۹۱)، آمریکاستیزی و جنبش غیرمتعهدها، تهران: سایت تابناک.
۷. سجادیپور، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۱)، گام مهم برای ایران پس از اجلاس تهران، دیپلماسی ایرانی.

۸. شیخان، محمد (۱۳۹۱)، ایران و جنبش عدم‌تعهد به روایت اسناد، تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.
۹. کرباسیان، مسعود (۱۳۹۱)، عدم‌تعهد و بنیانی برای همکاری‌های جدید اقتصادی، تهران: وبلاگ خبر آنلاین.
۱۰. متقی، ابراهیم (۱۳۹۱)، انقلاب دیپلماتیک علیه آمریکا، هفته‌نامه مثلث، شماره ۱۴۰، ۱۲.
۱۱. مطهرنیا، مهدی (۱۳۹۱)، چالش‌های جنبش غیرمتعهدها، سایت برهان، کد: ۳۹۴۹.
۱۲. ملکی، عباس (۱۳۹۱)، پیشنهادهای برای امتیازگیری از کشورهای جنبش عدم‌تعهد، سایت برهان، کد مطلب: ۳۹۲۹.
۱۳. موسوی‌نژاد، سیدعباس (۱۳۹۱)، جنبش عدم‌تعهد و بازنگری در ساختار شورای امنیت، تهران: سایت تابناک.
۱۴. واعظزاده، حسام‌الدین (۱۳۹۱)، سه اقدام راهبردی برای جنبش عدم‌تعهد در سه سال آینده، سایت خبر آنلاین.
۱۵. واعظی، محمود (۱۳۹۱)، ارزیابی اجلاس تهران، سایت جماران.

16. Bajpai US (1983), "Non-alignment, Perspectives and Prospects", Delhi, Lancer Publications, pp. 285-294.
17. Devaki Jain (July 2009), Is the Non-Aligned Movement Relevant Today?.
18. Kaplan Morton (1977), System and Process in International Relation, John Wiley. New York, PP. 67-71.
19. www.Namna.ir, 12 September, 2012.
- Peter Willets (March 1983), The Non-Aligned Movement: The Origins of a Third World Alliance, Pinter Pub Ltd, London, pp. 38-45.